

Imam al-‘Askarī’s Role in Institutionalizing the Khums

Mohammad Saeid Nejati¹

(Received on: 2022-9-3; Accepted on: 2022-12-19)

Abstract

Drawing upon historical evidence and the hadiths transmitted from Imam al-‘Askarī, this article analyzes his role in institutionalizing the khums within the Shia community during a period of significant challenges to this obligation. According to the available hadiths, the Imam emphasized the rationale behind the obligation of khums, highlighted its comprehensive scope (including all of one’s income), and underscored its practical importance. He also clarified where khums should be spent by distributing it among Hashemite needy and managed a network of deputies to handle Shiite affairs on his behalf.

Undocumented accusations have emerged regarding the reception of khums from sources other than war spoils, such as business profits. Given the lack of research on this issue concerning each Shiite Imam and the historical analysis of various periods of khums, this article contributes by explaining these developments during the Imamate of Imam al-‘Askarī. This study, conducted using an analytic, historical, and hadith-based method, addresses a previously unexplored area of scholarship.

Keywords: khums, Imam al-‘Askarī and khums obligation, deputy organization and Imam al-‘Askarī, khums on incomes.

1. Assistant Professor, Department of History and Sira, Hajj and Pilgrimage Research Center, Qom, Iran.
Email: ms.nejati@hzrc.ac.ir

نقش امام عسکری (ع) در نهادهای سازی خمس

محمد سعید نجاتی^۱

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۶/۱۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۹/۲۸]

چکیده

در این مقاله با استناد به شواهد تاریخی و روایات برجای مانده از امام عسکری (ع)، تحلیلی از نقش ایشان در نهادهای سازی خمس در جامعه شیعه ارائه می‌شود؛ درحالی‌که فریضه خمس با چالش‌های مختلفی مواجه شده بود. محورهایی که بر اساس روایات موجود می‌توان گفت امام در زمینه فریضه خمس، در آن ایفای نقش کرده‌اند، به این ترتیب است: تأکید بر فلسفه وجوب خمس، تأکید بر فراگیربودن گستره خمس (شمولی بودن وجوب پرداخت خمس با توجه به درآمدها)، تأکید عملی بر وجوب خمس، بیان عملی موارد مصرف خمس با مصرف آن میان نیازمندان بنی هاشم و رسیدگی به شبکه وکالت در جایگاه ابزار و کارگزاران اداره امور تشیع از سوی امام. با توجه به اتهام بی سابقه و بی مستند خمس گرفتن از منابعی به جز غنائیم جنگی از جمله ارباب مکاسب و نپرداختن به این مسئله به تفکیک تلاش هر کدام از ائمه شیعه (ع) بر اساس تحلیل تاریخی ادوار خمس، تبیین این تحولات از زاویه امامت امام عسکری (ع) دستاورد جدیدی است که در پژوهش‌های قبلی یافت نمی‌شود؛ این مسئله از نوآوری‌های این مقاله است که به شیوه تحلیلی تاریخی و حدیثی به دست آمده است.

کلیدواژه‌ها: خمس، امام عسکری و فریضه خمس، سازمان وکالت و امام عسکری، خمس درآمدها.

۱. استادیار، گروه تاریخ و سیره، پژوهشکده حج و زیارت، قم، ایران (نویسنده مسئول) ms.nejati@hzc.ac.ir

مقدمه

تحولات تاریخی خمس در تاریخ شیعه را می‌توان در پنج مرحله تحلیل کرد:

۱. دوران حفظ خمس حداقلی و اشاره پراکنده به حق مالی اهل بیت (از دوره امیرمؤمنان تا امام باقر (ع))؛
۲. دوران احیای حق اهل بیت و خمس حداکثری (از امام باقر تا امام رضا (ع))؛
۳. دوران نهادینه شدن و تعدیل خمس (از امام رضا تا عصر غیبت امام زمان (عج))؛
۴. دوران ایده‌آل‌گرایی در مصرف خمس به دلیل نزدیک دانستن ظهور (از دوره غیبت صغرا تا حدود یک قرن بعد)؛

۵. دوران رویکرد واقع‌گرایانه به خمس در جایگاه یکی از منابع مالی اداره کردن سادات نیازمند و امور عام‌المنفعه شیعه (از دوران سرگردانی موقت شیعه پس از شروع غیبت کبرای حضرت و وفات آخرین نایب خاص امام زمان (عج)).

فریضه خمس پس از گذراندن چالش‌های سهمگین، از دوره امام رضا (ع) به بعد مسیر بالندگی را از سر گرفت؛ دوره‌ای که مقطع امامت امام عسکری (ع) نیز جزئی از آن بود. از جمله چالش‌های مهم خمس در شیعه، چالش‌هایی چون نظریه غالب جامعه اسلامی مبنی بر محدود بودن وجوب خمس بر غنیمت‌های جنگی، حساسیت دستگاه خلافت به تشکیلات وکالت و جمع‌آوری خمس (با توجه به شباهت آن به شبکه داعیان عباسی)، ضعف شبکه وکالت ناشی از خیانت وکیلان واقعی، مشکلات اقتصادی جامعه شیعه و توهم عدم وجوب و بخشودگی خمس است. تلاش‌ها و تدابیر امام عسکری (ع) در دگرگونی‌های سیاسی و اجتماعی شیعه و در تبیین و نهادینه‌سازی و پویایی فریضه خمس در دوره نهادینه شدن و تعدیل خمس قابل دسته‌بندی است. تلاش‌های آن امام همام در این مقاله بر اساس روایات باقی مانده از آن حضرت و داده‌های تاریخی بررسی می‌شود.

پژوهش مستقلی درباره خمس در اندیشه و سیره امام عسکری (ع) یافت نشد؛ هرچند تا اندازه‌ای می‌توان این مطلب را در صفحات پژوهش‌هایی مانند کتاب تاریخ خمس از آقای مهدی قانع و خمس در بستر تاریخ از نویسنده این پژوهش و مقالاتی یافت که درباره خمس از نگاه امامان شیعه

نگاشته شده‌اند؛ از جمله مقاله «بررسی تاریخی نظریهٔ بخشیدن خمس توسط امامان شیعه (۱۱ تا ۳۲۹ هـ.ق)»؛^۱ اما از آنجاکه به صورت متمرکز در این پژوهش‌ها به نقش امام عسکری (ع) توجه نشده است، مناسب بود مقاله‌ای در این باره نگاشته شود.

با توجه به بار سیاسی و بعد امنیتی سازمان وکالت که از زمان امام صادق (ع) مسئولیت وکالت و دریافت و توزیع خمس را بر عهده داشت، باید ابتدا به کارکرد سیاسی و بار سیاسی و امنیتی این شبکه در زمان امام عسکری (ع) و شرایط آن حضرت در این دوران اشاره کرد.

اهمیت شبکه وکالت و درجه حساسیت عباسیان به این شبکه را وقتی می‌توان دریافت که یادآور شویم این شبکه به شبکه داعیان عباسی بسیار شبیه بود؛ شبکه‌ای که پیش از سال ۹۸ تا ۱۳۲ قمری توانست تشکیلاتی نظامی، فرهنگی و منسجم در سراسر جهان اسلام به وجود آورد و توسط آن به ساماندهی نیرو و درنهایت قیام مسلحانه علیه بنی امیه بپردازد (الله اکبری، ۱۳۸۷: ص ۱۲۹). یکی از اصلی‌ترین وظایف این تشکیلات، وکالت ائمه شیعه، دریافت و هزینه اموال خمس بود (جعفریان، ۱۳۸۱: ص ۵۱۳؛ جباری، ۱۳۸۲: ج ۱، ص ۲۸۰). این برداشت بارها از زبان خلفای عباسی چون هارون و متوکل به عبارت‌های مختلف گزارش شده است. آنان خشونت و جنایت‌های خود بر ضد ائمه‌ای مانند امام کاظم (ع) و امام هادی (ع) را به این بهانه توجیه می‌کردند.

از سوی دیگر دوران زندگی امام عسکری (ع) در امتداد دوران سوم تحولات خمس است که تحت تأثیر تغییر نگاه سیاسی حکومت عباسی به شیعه، نقطه عطفی در تاریخ تشیع به شمار می‌رود. این دوران را می‌توان گذار جایگاه شیعه از جایگاه غیررسمی مذهب شیعه و امامان آن به یک جایگاه رسمی و پراعتبار در برابر دستگاه خلافت عباسی دانست. پس از اینکه امام رضا (ع) در ابتدا پیشنهاد واگذاری خلافت از سوی مأمون را رد کرد و پس از یک ماه اصرار مقام ولایت عهدی خلیفه قدرتمند عباسی را پذیرفت، دیگر جایگاه آن حضرت و فرزندانش (که در دربار عباسیان به ابن‌الرضا شهره شدند)، در معادلات سیاسی و اجتماعی انکارشدنی نبود.

شیعه اثنی عشری با تغییر سیاست های ائمه در این برهه از جایگاه یک گروه مخالف و به دنبال براندازی، به جایگاه یک گروه منتقد اما سهم خواه از حکومت عباسی تغییر مکان داد و جایگاهی ویژه یافت. این جایگاه به گونه ای بود که امام جواد (ع) نزد معتصم عباسی (۲۱۸ - ۲۲۷ ه.ق)، امام شطر و نیمی از امت خوانده می شد (عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۱، ص ۳۲۰).

یکی از درباریان عباسی گزارش مفصلی درباره جایگاه اجتماعی امام عسکری (ع) در دربار عباسی ارائه داده است که در منابع مختلف نقل شده است (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۵۰۳؛ مفید، ۱۴۱۳: ج ۲، ص ۳۲۱؛ طوسی، ۱۴۱۱: ص ۲۱۸). احمد بن عبیدالله بن خاقان (متوفی ۳۰۷ ق) امام عسکری (ع) را در سامرا - چه میان علویان و چه بنی عباس - یگانه و بی هم تراز می داند و از جایگاه آن حضرت حتی نزد فرماندهان نظامی و وزیران دربار عباسی و عامه مردم سخن گفته است (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۵۰۳). این اظهار نظر از این رو دارای اهمیت است که احمد و پدرش از مقام های دربار عباسی بودند؛ پدرش از وزیران خلفای عباسی متوکل (۲۳۲ - ۲۴۷ ق) و معتمد (۲۵۶ - ۲۷۹ ق) بود (مرزوقانی، ۱۴۰۹: ص ۲۴۶) و احمد مأمور جمع آوری خراج و نظارت بر زمین های خراجی شهر قم و هر دو از دشمنان علویان بودند (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۵۰۳؛ مفید، ۱۴۱۳: ج ۲، ص ۳۲۱؛ مامقانی، ۱۴۳۱: ج ۶، ص ۳۱۳).

احمد که در دوران بیماری و وفات امام عسکری (ع) در سامرا بود (صفدی، ۱۴۰۱: ج ۷، ص ۱۷۱)، توجه ویژه پدرش در جایگاه وزیر خلیفه عباسی (معتمد) به امام در حالت بیماری را گزارش می کند و از تأکید وی بر زیر نظر داشتن آن حضرت در دوران بیماری توسط افراد مورد اعتماد خلیفه به طور شبانه روزی گفته است. وی همچنین از عزاداری شدید مردم شهر سامرا برای آن حضرت و بسته شدن بازارها و حضور بنی هاشم و سرلشکران و صاحب منصبان دربار خلیفه در تشییع جنازه آن حضرت خبر می دهد؛ چنان که شهر سامرا در آن روز را به رستاخیز تشبیه کرده است (طبرسی، ۱۴۱۷: ج ۲، ص ۱۴۹؛ کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۵۰۳).

این گزارش و گزارش‌های مشابه دیگر مانند حضور و نماز خواندن مقام‌های عباسی بر دیگر امامان ابن‌الرضای شیعه،^۲ حصر خانگی و تحت نظر نگاه داشتن امامان با رعایت حرمت ظاهری به جای زندانی کردنشان و تشییع رسمی و باشکوه امامان شیعه از امام رضا (ع) به بعد با حضور مقام‌های دربار عباسی نشان‌دهنده این جایگاه ویژه است؛ البته این جایگاه مانع ترس و شدت عمل محترمانه حکومت عباسی ضد آن حضرت و نزدیکانش و در مقابل مخفی‌کاری و احتیاط بیشتر آنان در مقابل عباسیان نبود.

از این مرحله به بعد تقیه امامان شیعه، با اعتراف خلفای عباسی به مذهب و پیروان ائمه اهل بیت (ع) مفهوم جدیدی به خود گرفت. آنان باید ضمن حفظ خود در جایگاه مقام‌های رسمی مخالف، در برابر تنگناها و حساسیت‌های دستگاه حاکم از خود مراقبت می‌کردند.

مجموعه‌های شیعی قدرتمند و پرجمعیت از این دوران به بعد در سراسر جهان اسلام شکل گرفت. در این میان نمی‌توان نقش روحیه مطالبه‌گری علویان را که هرازگاهی با قیام‌های خونین خود عرصه را بر خلفای عباسی تنگ می‌کردند، در به دست آوردن این جایگاه و انهدا.

به تناسب این شرایط، چالش‌های پیش روی ائمه (ع) نیز رنگ دیگری به خود گرفت و بیشتر از رویکرد امنیتی و سیاسی، چهره فرهنگی و اعتقادی و مذهبی به خود گرفت. این چالش‌ها گاه درون‌گروهی و گاه با گروه‌های خارج از شیعه بود؛ از جمله چالش‌ها، مدیریت شبکه گسترده وکالت برای هدایت شیعیان اقصی نقاط جهان اسلام و اموری چون جمع‌آوری و توزیع خمس در موارد لازم بود.

این امر مبتنی بر استمرار تثبیت جایگاه خمس در جایگاه حقوق اهل بیت (ع) در بینش یکایک شیعه و اجرایی شدن آن با نهادینه شدن آن به عنوان واجبی دینی بود. برای بررسی نقش امام عسکری (ع) در نهادینه کردن فریضه خمس، اصلی‌ترین منبع باقی‌مانده در این موضوع، روایاتی است که از آن حضرت درباره خمس بر جامانده است و بیشتر بار فقهی دارد و با تحلیل و بررسی این روایات می‌توان به نقش آن حضرت رسید.

از امام عسکری (ع) هشت روایت مرتبط با خمس، در مجامع روایی برجای مانده است. کم شماری روایات باقی مانده از امام عسکری (ع) به دلایلی چون کوتاهی دوره امامت آن حضرت، بیان بسیاری از احکام مورد نیاز در دوره امامان قبلی، فشار امنیتی شدید بر امام و... بود. روایاتی هرچند اندک ولی کارگشا و روشننگر از امام عسکری (ع) درباره خمس باقی مانده است که با تحلیل این روایات می توان به تصویری از خمس در سیره آن حضرت دست یافت.

۱. تأکید بر وجوب خمس و جایگاه آن

واجب دانستن خمس به ویژه در برهه ای از زمان و برای گروهی که چندان در نبردهای فتوحات اسلامی زیر پرچم عباسیان شرکت نمی کردند، گویای این حقیقت است که امامان شیعه موارد خمس را بسی فراتر از غنیمت جنگی می دیدند و گسترده و وجوب خمس را از نگاه آنان ثابت می کند؛ از سوی دیگر این مسئله از زبان امام عسکری (ع) در جایگاه امام یازدهم شیعه که سخنان ناظر به سخنان امامان قبلی است و حکم نسخ را برای آنان دارد، می تواند شاهی بر موقت بودن حلالیت خمس در روایات امامان پیشین باشد که به طور مطلق بیان شده بود و همه مصادیق خمس را دربر می گرفت. * عبارت های نامه امام به عبدالله بن حمدویه بیهقی در بردارنده پیام مؤکد وجوب خمس است (طوسی، ۱۴۰۹: ص ۵۸۱). ذیل این روایت، پس از توصیه به تقوای الهی و پرداخت حقوق به شیعیان، تأکید شده است که آنان هیچ گاه در تأخیر انداختن پرداخت این حقوق یا نپرداختن آن معذور نیستند و گفته شده است آنان با ترک این کار به نافرمانی اولیای الهی روی خواهند آورد و خداوند متعال با مهربانی و رحمت آنان به امام، به آنها نظر مرحمت خواهد کرد.^۳ این عبارت ها به روشنی اثبات کننده موارد زیر است:

اول: این مسئله مربوط به حقوق مالی اهل بیت (ع) است؛ بنابراین نمی توان آن را بر موقوفات یا هدایایی حمل کرد که شیعیان به اهل بیت (ع) به طور مستحب پرداخت می کردند و اینکه این مسئله رویه ای از زمان امامان قبلی بوده است. دوم: پرداخت این حقوق الزامی است و اهل بیت

(ع) با وجود داشتن سخاوت و بزرگواری، بر مطالبه آن تأکید می‌کردند و بخشش‌های سابق به هیچ‌وجه ابدی و دائمی نبوده است. سوم: پرداخت این حقوق، نوعی ابراز محبت و رحمت به امام است و باعث تقویت رابطه شیعه و امامانش می‌شود.

* وجوب و اهمیت خمس: این مسئله در نامه‌ای که آن حضرت به اسحاق بن اسماعیل نیشابوری در زمان حضور وی در سامرا می‌نویسد، آشکار است.

در روایت محمد بن ریان آمده است که وی ضمن نامه‌ای از امام عسکری (ع) درباره نوع مالکیت پیامبر اکرم (ص) در خصوص خمس پرسید. بر اساس پاسخ امام عسکری (ع) در این روایت، شایستگی معنوی پیامبر اکرم (ص) چنان است که خداوند او را مالک معنوی همه جهان می‌داند و این مسئله بزرگ‌ترین دلیل حکومت ظاهری آن حضرت و در اختیار داشتن خمس است (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۴۰۹).^۴ مهم‌ترین ارتباط این پاسخ به آن پرسش را می‌توان در تأکید بر خمس دانست؛ چراکه توجیه‌کننده در اختیار پیامبر بودن خمس است. در حقیقت این روایت به نوعی قیاس اولویتی را درباره ضرورت پرداخت خمس نشان می‌دهد؛ وقتی رسول اکرم (ص) مالک تمام دارایی‌های انسان است، دیگر پرداخت یک پنجم مازاد درآمد به آن حضرت حسب دستور خمس بسیار روشن و ساده می‌شود. توجه به این نکته ضروری است که تمام دنیا و موجودات آن متعلق به رسول الله اند (می‌دانیم که ملکیت فردی هرکسی محترم است و شخصیت حقیقی هیچ‌وقت ادعای مالکیت اموال دیگران را نداشته‌اند؛ بنابراین ملکیت در این روایت، تنها به معنای صاحب اختیار بودن این اموال در جایگاه شخصیت حقیقی آن حضرت به عنوان پیشوای جامعه در مقام مدیریت جامعه و منوط به مصلحت است یا اشاره به این نکته که همه موجودات دیگر وابستگی جدی به آن وجود نورانی دارند؛ چراکه آن حضرت علت غایی خلقت هستند).

* ذیل روایت ابوالادیان نشان می‌دهد اموال رسیده به امام عسکری (ع)، هدیه نبوده‌اند؛ چراکه اموال امام عسکری (ع) با ادعای جعفر درباره بی‌فرزند بودن آن حضرت، توسط دستگاه خلافت

میان جعفر و مادر امام تقسیم شد و اگر این اموال هدیه بود، پس از باخبر شدن خلیفه از ارسال این اموال به سرنوشت بقیه این اموال دچار می شد؛ ولی با توجه به اینکه این اموال خمس و حق منصب امامت بود، چنین ادعایی درباره آن مطرح نشد و جعفر و خلیفه در جایگاه مایملک شخصی امام با آن برخورد نکرده اند؛ از این رو این روایت ثابت کننده ارسال اموال خمسی به امام عسکری (ع) و

وکلائی آن حضرت در چارچوب نظام وکالت است (ابن بابویه، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۴۷۹).^۵

* در روایت محمد بن اسماعیل و علی بن عبدالله نیز می توان از تعبیر مال الله امام برای اموالی که یمنیان آورده بودند و نیز رنج سفر کشیدن شیعیان از یمن برای پرداخت این اموال (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۳۵۶)، استمرار وجوب خمس را دریافت؛ زیرا می دانیم پرداخت زکات یا صدقه و رساندن آن به مستحقان، مستلزم تحمل رنج سفری دراز میان یمن و عراق برای پرداخت نبود؛ چرا که اگر این افراد زکات را تنها به فقیران دارای شرایط منطقه خودشان می دادند، به وظیفه شرعی خود عمل کرده بودند؛ بنابراین احتمال زکات یا وقف یا هدیه بودن این اموال - که مال الله نامیده می شد - نفی می شود.

* تشکیل و تقویت شبکه وکالت، به ویژه در عصر امامان بعد از امام رضا (ع) (پنجاه سال اخیر عصر ظهور و حضور امامان شیعه)، با بخشش عمومی و ابدی خمس در زمان امامان قبلی در تضاد است؛ زیرا یکی از اصلی ترین وظایف این تشکیلات، دریافت و هزینه اموال خمس با وجود خطرهای بسیارش بود که در فرض عدم وجوب پرداخت خمس، بی معناست (جعفریان، ۱۳۸۱: ص ۵۱۳؛ جباری، ۱۳۸۲: ج ۱، ص ۲۸۰).

* در مکاتبه امام عسکری (ع) با عبدالله بن حمدویه از اهالی بیهق، آن حضرت با پرداختن به فلسفه تشریع فریضه خمس اشاره می کند که حقوق مالی است که خداوند واجب کرده است به اولیائش پرداخت شود تا همسران و اموال و خوراک و نوشیدنی ها را بر شیعیان حلال گرداند و باعث برکت و ازدیاد و ثروت آنان شود و شیعیان را با اطاعت در حالت غیبتش بیازماید. آن حضرت در پایان به این نکته تذکر می دهد کسی که در پرداخت این حقوق بخیلی کند، به خود خست ورزیده است (طوسی، ۱۴۰۹: ص ۵۸۱).^۶

۲. تأکید بر گسترده بودن دامنه خمس

محدود بودن منابع خمس بر غنایم جنگی (چنان که بیشتر اهل سنت معتقدند) یا گسترده بودن آن بر موارد مختلفی از جمله تمام دستاوردها و سودهای تجاری (نظر مشهور شیعه)، از مسائل پرچالش در بحث خمس است که تاکنون محل بحث است و فراتر بودن خمس از غنیمت جنگی حتی در زمان پیامبر اکرم (ص) در منابع عامه (خمس معدن و گنج) و بر اساس روایات متعدد اهل بیت (ع) ثابت شده است (ر.ک: نجاتی، ۱۳۹۹: ص ۶۷ - ۹۵).

ریان بن صلت از امام عسکری (ع) درباره خمس غلاتی که آسیاب می شوند و محصول زمین کشاورزی او بودند و نیز درباره قیمت ماهی صید شده و پارچه های بردی و نی های فروخته شده از نيزار پرسید و امام (ع) خمس را در همه موارد واجب می داند (طوسی، ۱۴۰۷: ج ۴، ص ۱۳۹؛ حر عاملی، ۱۴۰۹: ج ۹، ص ۵۰۴).^۷ این روایت مهر تأیید امام، بر نظریه غالب و رایج شیعه امامیه است؛ یعنی گستردگی دامنه خمس از آن زمان تا به امروز، چرا که آن حضرت در منابع مختلفی که جزء موارد مشهور خمس (۱. معدن؛ ۲. گنج؛ ۳. جواهراتی که با غواصی از دریا به دست می آید؛ ۴. زمین خریداری شده از ذمی؛ ۵. غنیمت جنگی) نیست نیز خمس را واجب دانسته است.

۳. نقل حلال بودن و بخشش خمس در موارد خاص

یکی از بحث های چالشی خمس که از آغاز با آن همراه بود و در کنار وجوب آن مطرح می شد، بخشش خمس در موارد و شرایط ضروری بوده است. تکرار این مسئله کار را به جایی رسانده است که برخی بدون توجه به تأکیدهای فراوان ائمه متأخر درباره خمس، احتمال بخشش عمومی و حلّیت خمس و در نتیجه عدم وجوب پرداخت آن را بدهند؛ ولی توجه به منظومه فکری اهل بیت (ع) درباره خمس، باقراین متعدد استمرار وجوب خمس اثبات می شود و حلال کردن خمس برای موارد خاص و شرایط ویژه جامعه شیعه یا مواردی عام مانند جلوگیری از وارد شدن حرام به خوراک و نسل شیعیان و به نوعی تشویق به شیعه شدن است (ر.ک: نجاتی، ۱۳۹۸: ص ۱۸۷. ۲۱۱؛ نیز نجاتی، ۱۳۹۹: ص ۲۷۲ به بعد).

امام عسکری (ع) گفتگوی امیرالمؤمنین با پیامبر اکرم (ص) را نقل فرمود که پیامبر اکرم (ص) ضمن اشاره به مسئله غصب خلافت و مسلط شدن حاکمان جور بر خمس در اختیار امام و حیف و میل آن، برای جلوگیری از وارد شدن مال حرام به خوراک و نسل شیعیان، خمس را به همه شیعیانی حلال کرد که سهمی از این خمس را استفاده می کنند (خمس) که غالباً از جنگ ها به دست می آمد و شامل اسیران جنگی و غنائیم و هزینه ناشی از خرید و فروش این موارد می شد) (حر عاملی، ۱۴۰۹: ج ۹، ص ۵۵۳).^۸

این روایت به صراحت بیان می کند دلیل بخشش خمس (با وجود تأکیدهای متعدد امامان بر وجوب آن از جمله شخص امام عسکری)، کمک به حلال خوری و پاک زادی فرزندان شیعیان است. نگرانی درباره این امور ناشی از عواملی بود؛ از جمله:

- ارتباط و دادوستد شیعیان با پیروان مذاهب دیگر که خمس را واجب نمی دانستند یا شیعیانی که به خمس پایبند نبودند.

- ازدواج با بردگان پرشماری که در پی فتوحات اسلامی به اسارت درمی آمدند و وارد جامعه اسلامی می شدند؛ ولی به دلیل اینکه این جنگ ها بدون اذن امام بود، از نظر مالی در اختیار امام بودند و بدون اذن آن حضرت از نظر فقهی حق امام در نسلشان باقی می ماند.

۴. نقش آفرینی امام در پویایی و رواج فریضه خمس در پهنه سرزمین های اسلامی

خمس در قرن دوم گسترده تر و با مصادیقی بیشتر از قرن اول مطرح شد (ر.ک: نجاتی، ۱۳۹۹: ص ۲۷۵ - ۲۹۰) و گسترده گی مناطق جغرافیایی سکونت شیعیانی که خمس می پرداختند یا از آن استفاده می کردند، نشان از موفقیت بزرگ امامان شیعه در تبلیغ و نهادینه سازی فریضه خمس است؛ در ادامه به نمونه هایی از این گسترش اشاره می شود.

* یکی از نمونه های گسترش مناطق خمس، یمن است که روایت محمد بن اسماعیل و علی بن عبدالله از سادات حسنی، نشان دهنده این گسترش در یمن است. آنها از آمدن جمعی از شیعیان

یمنی نزد امام عسکری (ع) خبر داده‌اند که برای پرداخت اموالی نزد امام عسکری آمدند؛ اموالی که امام آن را مال الله نامید (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۳۵۵) که نشان از خمس بودن آن است.^۹

* علی بن سنان موصلی که خود را یکی از خادمان امام عسکری (ع) معرفی می‌کند، در گزارشی که از آخرین سفر خود در زمان آن حضرت نقل می‌نماید، از حضور هیئتی از منطقه جبال و قم برای پرداخت وجوه شرعی به امام عسکری (ع) و حضور صاحب منصبان و اشراف در مراسم نماز و تشییع آن حضرت خبر می‌دهد؛ این روایت اثبات‌کننده ارتباط مستمر شیعیان مناطق مختلف از جمله قم و جبال با سامرا برای امور مالی است (ابن بابویه، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۴۷۹).

۵. مدیریت سازمان وکالت

شکل‌گیری انحراف واقفه از درون سازمان وکالت، ضربه سنگینی بر این سازمان بود که در زمان امام کاظم و امام رضا (ع) روی داد و تا مدت‌ها اثرهای ادامه داشت؛ ولی با توجه به دوری امامان بعدی از مدینه و مرکز تشیع در غالب ایام امامت و با توجه به گسترش جغرافیای جمعیتی شیعه در این عصر و آزادی عمل نسبی که یافته بود، ترمیم و تقویت این شبکه ضروری می‌نمود؛ امری که در سیره امامان بعدی جلوه داشت.

مدیریت و توجه و پشتیبانی شبکه وکالت در ابعاد مختلفی در دوران امام عسکری (ع) در روایات مرتبط با خمس دیده می‌شود؛ این مدیریت شامل ابعادی چون تعیین و تأکید وکیل برای دریافت خمس، بررسی مشکلات وکیلان و نظارت و مدیریت و سامان‌دهی و تقسیم کار و مشخص کردن جایگاه و سلسله‌مراتب نظر پشتیبانی مادی و معنوی بود.

الف) حمایت و پشتیبانی از ابراهیم بن عبده نیشابوری و نظارت بر او

این مضمون در دو روایت که در رجال کشی نقل شده، استفاده می‌شود. ابراهیم بن عبده از جمله وکیلان امام بود که نامه تأیید او به عبدالله بن حمدویه از اهالی بی‌هق نگاشته شد؛ امام

به آنها دستور داده بود تا حقوق آن حضرت را از اموالشان خارج کنند و بعد از حسابرسی به او بدهند؛ همچنین امام طی نامه‌ای تأکید می‌فرماید به ابراهیم بن عبده برای مصرف و مدیریت این اموال نیز مجوز لازم داده شده است (طوسی، ۱۴۰۹: ص ۵۸۰).^{۱۰} این مسئله به روشنی نشان می‌دهد افزون بر وظیفه جمع‌آوری، وظیفه توزیع و مصرف اموال نیز در اختیار دست‌کم برخی از وکلا بوده است.

در متن نامه دوم، امام ضمن اطمینان و مورد اعتماد دانستن وکیل خویش (ابراهیم بن عبده نیشابوری) که حکمش از جانب امام توسط عده‌ای مورد تردید واقع شده بود، شیعیان را به تقوای الهی و پرداخت حقوق شرعی به ابراهیم توصیه می‌کند و او را از اتهام‌ها و وارد مبرادانستند و تأکید فرمودند ابراهیم مجوز پرداخت این اموال را در مواردی که هزینه کرده بود، دارا بوده است (طوسی، ۱۴۰۹: ص ۵۸۰).^{۱۱} به این ترتیب پشتیبانی امام به وکیلش عبدالله بن حمدویه و ابراهیم بن عبده از روایت استفاده می‌شود. در این مکاتبه امام (ع) ابتدا به این مسئله اشاره می‌کند که ائمه (ع) به موالیان و پیروانشان دلسوزی خاص دارند و اسحاق نیز از جمله آنهاست (طوسی، ۱۴۰۹: ص ۵۸۰).

ب) تأکید بر رعایت سلسله‌مراتب و ترتیب مراجعه به وکیلان

شاید امروزه رعایت سلسله‌مراتب در موارد بسیاری به معنای قرارداد حريم ویژه برای مسئولان دانسته شود؛ ولی با توجه به شرایط سیاسی و امنیتی حاکم بر شیعیان و امام عسکری (ع)، لزوم تبعیت از این ترتیب برای ارتباط گرفتن با امام عسکری، ضامن سلامت و امنیت شخص امام و کسانی بود که با ایشان ارتباط داشتند.

در ادامه این نامه، امام به اسحاق و دیگر دوستان خود در منطقه نیشابور دستور می‌دهد اموال و حقوق مالی خود را به ابراهیم بن عبده پرداخت کنند؛ همچنین در این نامه برخلاف نامه قبلی، ابراهیم را موظف می‌کنند اموال را به رازی یا شخصی که رازی مشخص کرده است، تحویل دهد و در پایان از اسحاق می‌خواهد این فرمان را برای همکارانش بلالی و محمودی نیز بخواند.

آن حضرت در پایان این مکاتبه می‌خواهد پیش از خارج شدن از سامرا، با نایب خاص امام یعنی عثمان بن سعید عمری دیدار داشته باشد و با وی آشنا شود؛ چراکه عمری امین معتمد آن حضرت است که تمام اموالی که از نواحی مختلف جمع‌آوری می‌شود، تحت نظر او قرار می‌گیرد و تقسیم می‌شود (ابن بابویه، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۴۵۵).^{۱۲}

ج) به‌کارگیری شیوه خاص دریافت برای اطمینان بخشی به وکیلان

* در روایت ابوالادیان روش خاصی که وکلا برای کسب اعتماد پرداخت‌کنندگان خمس به کار می‌بستند، بیان شده است. بر اساس این روایت، مردم برای اطمینان از اینکه این اموال به نماینده واقعی امام تحویل می‌شود، به گونه عاداتی مستمر از او می‌خواستند با کمک امام، کسانی که این اموال را به سوی امام گسیل داشته‌اند و کمیت و کیفیت این اموال را به دقت مشخص کند و وقتی جعفر برادر امام که ادعای امامت داشت، از این کار ناتوان می‌شود، به او اعتماد نمی‌کنند و اموال امام را به او تحویل نمی‌دهند؛ اما با اعتماد به قاصد امام دوازدهم اموال را به او تحویل می‌دهند (ابن بابویه، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۴۷۹).^{۱۳}

۶. امام عسکری و توجه به کمک برای سادات فقیر

امامان شیعه سهام ذکرشده در آیه خمس را واقعی و ابدی تفسیر می‌کردند (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۵۳۹) و پس از رسول‌الله، سهم‌الله و سهم‌رسول و سهم‌ذی‌القربی را بودجه‌ای در اختیار امام معصوم - که پیشوای واقعی مسلمانان و نزدیک‌ترین خویشاوند رسول‌الله بود - می‌دانستند؛ بدین ترتیب سهم‌الله را در جایگاه پیشوایی و سهم‌رسول را به ارث و سهم‌ذی‌القربی را برای ذی‌القربی در اختیار می‌گرفت (حر عاملی، ۱۴۰۹: ج ۹، ص ۴۹۰ و ۵۱۶). آنان سه سهم بعدی را ویژه یتیمان و در راه ماندگان و فقیران بنی‌هاشم می‌دیدند (عده‌ای از علماء، ۱۳۶۳: ص ۱۷۶؛ محدث نوری، ۱۴۰۸: ج ۷، ص ۲۸۹).

بر این اساس مصارف خمس در نگاه شیعه امامیه به دو قسمت اصلی سهم امام و سهم سادات تقسیم می‌شد. این تقسیم در مرحله اجرا دربرگیرنده مصادیق متعددی می‌شد که مهم‌ترین آنها عبارت است از: سهم ذی‌القربی و کمک به سادات نیازمند، کمک به تحقق عدالت اجتماعی و تهیدستان جامعه (آزادسازی بردگان، توزیع شبانه ارزاق میان نیازمندان)، حمایت از جبهه فرهنگی علمی همراه اهل بیت (ع)، حمایت از خط تبلیغاتی مدافع اهل بیت (ع) (شاعران)، حمایت از قیام‌های سیاسی همگام با اهل بیت (ع)، تخفیف سالیانه خمس، حمایت و مدیریت شبکه وکالت و بخشش عمومی و خاص خمس (نجاتی، ۱۳۹۹: ص ۱۹۴ به بعد).

بر اساس نگاه ائمه، ذی‌القربی به خویشان نزدیک پیامبر و امامان معصوم تفسیر می‌شوند که خمس به طرق مختلف در اختیارشان قرار می‌گرفت. از سوی دیگر رسیدگی به هاشمیان فقیر و نیازمندان اعم از یتیمان و مسکینان و در راه ماندگان نیز بر عهده آنان بود که کم‌وبیش در سیره بیشتر ائمه دیده می‌شود؛ از این رو توجه به نیازمندان بنی‌هاشم به طور مستمر در سیره امامان بعدی دیده می‌شود.

در روایات برجای مانده از سیره امام عسکری (ع) نیز توجه به این مسئله دیده می‌شود:

* امام عسکری (ع) برای علی بن زید علوی (از سادات علوی و اصحاب امام عسکری) (شوشتری، ۱۴۱۰: ج ۷، ص ۴۶۷)، هزینه خرید کنیز مورد نیازش را تأمین کرد (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ج ۴، ص ۴۳۱)؛ داود بن قاسم جعفری (از نوادگان جعفر بن ابی طالب و اصحاب جلیل‌القدر امام رضا و ائمه بعدی و ساکن بغداد؛ خوئی، ۱۳۷۲: ج ۸، ص ۱۲۳) نیز که هنگام رفتن به حج برای وداع نزد امام عسکری (ع) آمده بود، از تأمین شدن هزینه سفرش با کرامت آن حضرت خبر داده است (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ج ۴، ص ۴۰۹). جالب این است که حتی اگر برخی این افراد به دروغ اظهار نیاز می‌کردند، امام به آنان جواب منفی نمی‌داد و ضمن نهی کردن از دروغ گفتن، به آنان کمک مالی می‌کرد؛ چنان‌که در رفتار امام عسکری (ع) با اسماعیل بن

عباس هاشمی از اصحاب ویژه ائمه اخیر (مامقانی، ۱۴۳۱: ج ۱۰، ص ۱۶۵) نمودار است (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ج ۴، ص ۴۳۲).

این شبهه از دیرباز مطرح است که قانون خمس، کمک به طبقاتی شدن جامعه اسلامی به نفع خاندان رسالت و نوعی تبعیض نژادی است. این توهّم برآمده از نگاهی سطحی به خمس و بدون توجه به جزئیات آن است؛ زیرا:

اول: مدیریت تقسیم خمس در اختیار حاکم اسلامی است که باید آن را با ملاک رعایت مصالح مسلمانان و جامعه اسلامی هزینه کند و از جمله این هزینه‌ها، برطرف کردن نیازمندی سادات فقیر و ذریه رسول الله است؛ یعنی سادات فقیر در مصارف خمس سهم دارند، نه اینکه خمس به آنان اختصاص داشته باشد. این مسئله به روشنی از تقسیم خمس میان شش دسته قابل استفاده است (خدا و رسول و ذی القربی و بعد یتیمان، فقیران و نیازمندان سادات) (نجاتی، ۱۳۹۹: ص ۱۹۱)؛ بنابراین نمی‌توان همه خمس را مالی اختصاص یافته به سادات دانست، بلکه حتی فقیران غیر سید نیز بنا بر مصالح جامعه اسلامی و صلاح‌دید پیشوای جامعه، می‌توانند از خمس استفاده کنند که این مسئله در روایات با تعبیر «وجه الإماره بودن خمس» مطرح شده است (حر عاملی، ۱۴۰۹: ج ۹، ص ۴۹۰).

دوم: به اتفاق نظر شیعه و سنی، سادات فقیر از صدقات عمومی و زکاتی که همه فقیران جامعه اسلامی را بهره‌مند می‌کند، منع شده‌اند (نجاتی، ۱۳۹۹: ص ۲۲۷) و نباید از آن مصرف کنند (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۴، ص ۵۸؛ بیهقی، ۱۳۴۴: ج ۲، ص ۲۱۳) و تعلق خمس به آنان در ازای محرومیت‌شان از زکات است.

سوم: پیش فرض این شبهه تقسیم شدن خمس به قسمت‌های مساوی است؛ درحالی‌که بیشتر فقیهان شیعه مساوی بودن این تقسیم را نپذیرفته‌اند و خمس را در اختیار امام جامعه اسلامی می‌دانند تا آن را به تناسب نیازها قسمت کند (برای نمونه بنگرید: عاملی، ۱۴۱۲: ص ۳۱۵؛ نجفی، ۱۴۰۴: ج ۱۶، ص ۵۴؛ نجاتی، ۱۳۹۹: ص ۲۳۵)؛ طبیعی است اگر سادات جامعه اسلامی

نیازمند و فقیر نباشند، استحقاق دریافت خمس ندارند.

با این توضیحات باید گفت سهم دانستن سادات فقیر از خمس، تنها به معنای اختصاص منبعی جایگزین برای این قشر نیازمند جامعه در مقایسه با نیازمندان دیگر است که از محل ها و منابع مختلف استفاده می کنند.

افزون بر این باید از کارکرد بالای اجتماعی و مذهبی توجه به سادات سخن گفت که سود آن به اقشار مختلف می رسد؛ برای نمونه نفس وجود سادات و ذریه پیامبر اکرم (ص) و تصدیق وعده الهی به آن حضرت در سوره «کوثر» و نشان حقانیت قرآن کریم در این بعد است و کارکرد آن اطمینان به قرآن کریم است. از سوی دیگر این توجه باعث بالابردن ارتباط معنوی و محبت مردم به رسول الله و اهل بیت (ع) آن حضرت می شود. هرچه این محبت خالص تر و واقعی تر شود، راه پیاده کردن اخلاق و سیره آن حضرات در جامعه هموارتر می شود و ارزش های اخلاقی و معنوی میان جامعه گسترش می یابد. نمونه آن را می توان در مراسم اربعین حسینی به روشنی دید که از یک ابراز عشق فردی به یک حرکت سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و بین المللی تبدیل شده است.

نتیجه

با بررسی سیره امام عسکری (ع)، نقش آن حضرت در پویایی و نهادهای شدن بیشتر فریضه خمس، به روشنی اثبات شدنی است. آن حضرت ضمن تأکید بر وجوب خمس و جایگاه آن، به صراحت درباره فراتر بودن دامنه خمس درباره غنائم جنگی را بیان می کند و مانند امامان قبلی و فرزندشان، حلال کردن و بخشش خمس را با هدف خاص و در موارد خاص می داند. ایشان بر مدیریت سازمان وکالت اشراف کامل داشت و این سازمان با اشراف آن حضرت گستردگی خود را در مناطق مختلف جهان اسلام استمرار می داد. از آن حضرت کمک های مالی به سادات فقیر گزارش شده است که یکی از مصارف خمس است و این گونه استمرار مصارف خمس را نشان داده است.

از این گزارش ها، واکنش آن حضرت به چالش های جدی درباره فریضه خمس نمایان است که با تعیین تکلیف آن تا زمان آخرین امام آشکار شیعه، می توان هماهنگی سیره امام عسکری (ع) را با منظومه فکری دیگر امامان (ع) درباره خمس استنباط کرد و دیدگاه مشهور امامیه درباره شمولی بودن خمس و مقطعی بودن بخشش نقل شده درباره آن را تأیید می کند.

پی نوشت ها

۱. مجله علمی - پژوهشی پژوهش های فقهی، دوره ۱۵، ش ۲، تابستان ۱۳۹۸.
۲. مأمون در تشیع بدن مطهر امام رضا (ع) و در تشیع امام جواد و در تشیع امام هادی و در تشیع امام عسکری دیگر مقام های دربار عباسی شرکت کردند.
۳. فَقَدْ نَصَبْتُ لَكُمْ إِبْرَاهِيمَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ دَفْعَ التَّوَّاجِي وَأَهْلَ نَاحِيَتِكَ حُقُوقِي الْوَاجِبَةِ عَلَيْكُمْ إِلَيْهِ، وَجَعَلْتُهُ ثِقَتِي وَأَمِينِي عِنْدَ مَوَالِي هُنَاكَ، فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ وَلْيُرَاقِبُوا وَلْيُؤَدُّوا الْحُقُوقَ، فَلَيْسَ لَهُمْ عُدْرٌ فِي تَرْكِ ذَلِكَ وَلَا تَأْخِيرِهِ، وَلَا أَشْقَاكُمْ اللَّهُ بِبَعْضِيَانِ أَوْلِيَانِيهِ، وَرَحِمَهُمُ اللَّهُ وَإِيَّاكَ مَعَهُمْ بِرَحْمَتِي لَهُمْ، إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ كَرِيمٌ.
۴. عن محمد بن الريان قال: كتبت إلى العسكري ع جعلت فداك روي لنا أن ليس لرسول الله ص من الدنيا إلا الخمس فجاء الجواب إن الدنيا وما عليها لرسول الله (ص).
۵. وَ حَدَّثَ أَبُو الْأَذْيَانِ قَالَ: كُنْتُ أَخْدُمُ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع وَ أَخْمِلُ كُتُبَهُ إِلَى الْأَنْصَارِ فَدَخَلْتُ عَلَيْهِ فِي عِلَّتِهِ الَّتِي تُؤْفَى فِيهَا ص فَكَتَبَ مَعِيَ كُتُبًا وَقَالَ امْضِ بِهَا إِلَى الْمَدَائِنِ فَإِنَّكَ سَتَغِيبُ خَمْسَةَ عَشَرَ يَوْمًا وَ تَدْخُلُ إِلَى سَرٍّ مَنْ رَأَى يَوْمَ الْخَامِسِ عَشَرَ وَ تَسْمَعُ الْوَاعِيَةَ فِي دَارِي وَ تَجِدُنِي عَلَى الْمُعْتَسَلِ - قَالَ أَبُو الْأَذْيَانِ فَقُلْتُ يَا سَيِّدِي فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ فَمَنْ قَالَ مَنْ طَالَبَكَ بِجَوَابَاتِ كُتُبِي فَهُوَ الْقَائِمُ مِنْ بَعْدِي فَقُلْتُ زِدْنِي فَقَالَ مَنْ يُصَلِّي عَلَيَّ فَهُوَ الْقَائِمُ بَعْدِي فَقُلْتُ زِدْنِي فَقَالَ مَنْ أَخْبَرَ بِمَا فِي الْهِمَيَانِ فَهُوَ الْقَائِمُ بَعْدِي.
۶. وَ فَرَضَ عَلَيْكُمْ لِأَوْلِيَانِيهِ حُقُوقاً أَمْرَكُمْ بِأَدَائِهَا إِلَيْهِمْ، لِيَحِلَّ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ وَ أَمْوَالِكُمْ وَ مَا كَلِكُمْ وَ مَسَارِكُمْ وَ مَعْرِفَتِكُمْ بِذَلِكَ النَّمَاءِ وَ الْبَرَكَةِ وَ الثَّرْوَةِ، وَ لِيَعْلَمَ مَنْ يُطِيعُهُ

مِنْكُمْ بِالْغَيْبِ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى، وَاعْلَمُوا أَنَّ مَنْ يَبْخُلُ فَإِنَّمَا يَبْخُلْ عَلَى نَفْسِهِ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ وَأَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ إِلَيْهِ، لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ.

۷. روى الريان بن الصلت قال: كتبت إلى أبي محمد ع ما الذي يجب علي يا مولاي في غلة رعى في أرض قطيعة لي وفي ثمن سمك و بردي وقصب أبيعه من أجمة هذه القطيعة فكتب يجب عليك فيه الخمس إن شاء الله تعالى.

۸. الحسن بن علي العسكري ع في تفسيره عن آبائه عن أمير المؤمنين ع أنه قال لرسول الله ص قد علمت يا رسول الله - أنه سيكون بعدك ملك عضوض و جبر فيستولى على خمسي (من السبي) و الغنائم و يبيعونه فلا يحل لمشتريه لأن نصيبي فيه فقد وهبت نصيبي منه لكل من ملك شيئا من ذلك من شيعتي لتحل لهم منافعهم من مأكل و مشرب و لتطيب مواليدهم و لا يكون أولادهم أولاد حرام فقال رسول الله ص - ما تصدق أحد أفضل من صدقتك و قد تبعت رسول الله في فعلك أحل الشيعة كل ما كان فيه من غنيمة و بيع من نصيبه على واحد من شيعتي و لا أحلها أنا و لا أنت لغيرهم.

۹. قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ وَ عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْحَسَنِيَّانِ قَالَا دَخَلْنَا عَلَى أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ ع بِسَرٍّ مَنْ رَأَى وَ بَيْنَ يَدَيْهِ جَمَاعَةٌ مِنْ أَوْلِيَائِهِ وَ شِيعَتِهِ حَتَّى دَخَلَ عَلَيْهِ بِدَرِّ خَادِمِهِ فَقَالَ يَا مَوْلَايَ بِالْبَابِ قَوْمٌ شَعْتُ غُبْرٌ فَقَالَ لَهُمْ هَؤُلَاءِ نَفَرٌ مِنْ شِيعَتِنَا بِالْيَمَنِ فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ يَسُوقَانِهِ إِلَى أَنْ يَنْتَهِيَ.

۱۰. حَكَى بَعْضُ الثَّقَاتِ، أَنَّ أَبَا مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ كَتَبَ إِلَى إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ وَ كِتَابِي الَّذِي وَرَدَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بِتَوْكِيلِي إِيَّاهُ لِقَبْضِ حُقُوقِي مِنْ مَوَالِي هُنَاكَ: نَعَمْ هُوَ كِتَابِي بِخَطِّي، أَقَمْتُهُ أَغْنِي إِبْرَاهِيمَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ لَهُمْ بِبَلَدِهِمْ حَقًّا غَيْرَ بَاطِلٍ، فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَ لْيُخْرِجُوا مِنْ حُقُوقِي وَ لْيَدْفَعُوا إِلَيْهِ، فَقَدْ جَوَزْتُ لَهُ مَا يَعْمَلُ بِهِ فِيهَا، وَفَقَهُ اللَّهُ وَ مَنْ عَلَيْهِ بِالسَّلَامَةِ مِنَ التَّفْصِيرِ بِرَحْمَتِهِ.

۱۱. مِنْ كِتَابٍ لَهُ (ع) إِلَى عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمْدَوَيْهِ الْبَيْهَقِيِّ: وَ بَعْدُ، فَقَدْ نَصَبْتُ لَكُمْ إِبْرَاهِيمَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ لِيُدْفَعَ التَّوَاجِي وَ أَهْلُ نَاحِيَتِكَ حُقُوقِي الْوَاجِبَةَ عَلَيْكُمْ إِلَيْهِ، وَ جَعَلْتُ نَقْتِي وَ أَمِينِي عِنْدَ مَوَالِي هُنَاكَ، فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ وَ لْيُرَاقِبُوا وَ لْيُؤَدُّوا الْحُقُوقَ، فَلَيْسَ لَهُمْ عُذْرٌ فِي تَرْكِ ذَلِكَ وَ لَا تَأْخِيرِهِ، وَ لَا

أَشَقَّاكُمْ اللَّهُ بِعُضَيَّانِ أَوْلِيَّائِهِ، وَرَحِمَهُمُ اللَّهُ وَإِيَّاكَ مَعَهُمْ بِرَحْمَتِي لَهُمْ، إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ كَرِيمٌ.
 ۱۲. فَلَا تَخْرُجَنَّ مِنَ الْبَلَدَةِ حَتَّى تَلْقَى الْعَمْرِيَّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ بِرَضَائِي عَنْهُ، وَتُسَلِّمَ عَلَيْهِ وَتَعْرِفَهُ
 وَيَعْرِفَكَ فَإِنَّهُ الظَّاهِرُ الْأَمِينُ الْعَفِيفُ الْقَرِيبُ مِنَّا وَإِلَيْنَا، فَكُلُّ مَا يُحْمَلُ إِلَيْنَا مِنْ شَيْءٍ مِنَ
 التَّوَّاجِي فَالْيِهِ يَصِيرُ آخِرُ أَمْرِهِ، لِيُوصَلَ ذَلِكَ إِلَيْنَا، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيرًا.
 ۱۳. ثُمَّ خَرَجْتُ إِلَى جَعْفَرِ بْنِ عَلِيٍّ وَهُوَ يَزْفِرُ فَقَالَ لَهُ حَاجِزُ الْوُشَاءِ يَا سَيِّدِي مِنَ الصَّبِيِّ لِنُقِيمَ
 الْحُجَّةَ عَلَيْهِ فَقَالَ وَاللَّهِ مَا رَأَيْتُهُ قَطُّ وَلَا أَعْرِفُهُ فَتَحَنُّنُ جُلُوسٍ إِذْ قَدِمَ نَفَرٌ مِنْ قَوْمٍ فَسَأَلُوا عَنِ
 الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ فَعَرَفُوا مَوْتَهُ فَقَالُوا فَمَنْ نُعَزِّي فَأَشَارَ النَّاسُ إِلَى جَعْفَرِ بْنِ عَلِيٍّ فَسَلَّمُوا عَلَيْهِ وَ
 عَزَّوْهُ وَهَتَّوْهُ وَقَالُوا إِنَّ مَعَنَا كُتُبًا وَمَالًا فَتَقُولُ مِمَّنِ الْكُتُبُ وَكَمْ الْمَالُ فَقَامَ يُنْفِضُ أَثْوَابَهُ وَيَقُولُ
 تُرِيدُونَ مِنَّا أَنْ نَعْلَمَ الْغَيْبَ قَالَ فَخَرَجَ الْخَادِمُ فَقَالَ مَعَكُمْ كُتُبٌ فُلَانٌ وَفُلَانٌ وَفُلَانٌ وَهَمِيَّانَ
 فِيهِ أَلْفٌ دِينَارٍ وَعَشْرَةُ دَنَانِيرٍ مِنْهَا مَطْلِيَّةٌ فَدَفَعُوا إِلَيْهِ الْكُتُبَ وَالْمَالَ وَقَالُوا الَّذِي وَجَّهَ بِكَ
 لِأَخْذِ ذَلِكَ هُوَ الْإِمَامُ فَدَخَلَ جَعْفَرُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَى الْمُعْتَمِدِ وَكَشَفَ لَهُ ذَلِكَ.

کتاب‌نامه

- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۵ ش)؛ علل الشرائع؛ ج اول، قم: کتاب فروشی داوری.
 _____ (۱۳۹۵ ش)؛ کمال الدین و تمام النعمة؛ چ دوم، تهران: اسلامیه.
 ابن حمزه طوسی، محمد بن علی (۱۴۱۹ ق)؛ الثاقب فی المناقب؛ چ سوم، قم: انصاریان.
 ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۷۹ ش)؛ مناقب آل ابی طالب؛ چ اول، قم: علامه.
 اشعری، سعد بن عبدالله (۱۳۶۰ ش)؛ المقالات و الفرق؛ چ دوم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
 الله اکبری، محمد (۱۳۸۷ ش)؛ عباسیان از بعثت تا خلافت؛ قم: بوستان کتاب.
 بیهقی، احمد بن حسین (۱۳۴۴ ق)؛ السنن الکبری؛ چ اول، همد: مجلس دائرة المعارف النظامية.
 تبریزی، جواد (۱۴۲۹۶ ق)؛ الموسوعة الرجالية؛ چ اول، قم: دار الصدیقة الشهيدة.
 ثعلبی، احمد بن محمد (۱۴۲۲ ق)؛ الكشف و البیان؛ چ اول، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

جباری، محمدرضا (۱۳۸۱ ش)؛ «نگاهی به انحرافات برخی از کارگزاران ائمه اطهار (ع)»؛ مجله معرفت، ش ۵۲.

_____ (۱۳۸۲ ش)؛ سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه؛ قم: مؤسسه آموزشی - پژوهشی امام خمینی.

_____ (۱۴۰۳ ش)؛ «نمایندگان ائمه: در ایران (از عصر امام صادق تا پایان غیبت صغری)»؛

تاریخ و آیین پژوهش، پیش شماره ۱.

جعفریان، رسول (۱۳۸۱ ش)؛ حیات فکری و سیاسی ائمه؛ چ ششم، قم: انصاریان.

حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ق)؛ تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة (وسائل الشیعة)؛ چ اول، قم: مؤسسه آل البيت.

حمیری، عبدالله بن جعفر (۱۴۱۳ ق)؛ قرب الإسناد؛ چ اول، قم: مؤسسه آل البيت.

حویزی، عبدعلی بن جمعه (۱۴۱۵ ق)؛ تفسیر نور الثقلین؛ چ چهارم، قم: اسماعیلیان.

خویی، سید ابوالقاسم (۱۳۷۲ ش)؛ معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرجال؛ چ اول، قم: مرکز نشر الثقافه الاسلامیه فی العالم.

شوشتری، محمدتقی (۱۴۱۰ ق)؛ قاموس الرجال؛ چ دوم، قم: جماعة المدرسين فی الحوزة العلمیه بقم.

صفدی، خلیل بن ایبک (۱۴۰۱ ق)؛ الوافی بالوفیات؛ چ دوم، بیروت: دار النشر فرانز شتاينر.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ ش)؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن؛ چ سوم، تهران: ناصر خسرو.

_____ (۱۴۱۷ ق)؛ إعلام الوری بأعلام الهدی؛ چ اول، قم: آل البيت.

طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ ق)؛ جامع البیان فی تفسیر القرآن؛ چ اول، بیروت: دار المعرفة.

طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۴۰۷ ق)؛ الخلاف؛ چ اول، قم: جامعه مدرسین.

_____ (۱۴۰۷ ق)؛ تهذیب الاحکام؛ محقق: خراسان؛ چ چهارم، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

_____ (۱۴۰۹ ق)؛ إختيار معرفة الرجال؛ چ اول، مشهد: دانشگاه مشهد.

_____ (۱۴۱۱ ق)؛ کتاب الغیبة للحجة؛ چ اول، قم: [بی نا].

_____ [بی تا]؛ الفهرست؛ قم: مکتبه الشریف الرضی.

عده ای از علماء (۱۳۶۳ ش)؛ الأصول الستة عشر (ط - دار الشبستری)؛ چ اول، قم: [بی نا].

- عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ ش)؛ تفسیر العیاشی؛ چ اول، تهران: المطبعة العلمية.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق)؛ الکافی؛ چ چهارم، تهران: اسلامیه.
- مامقانی، عبدالله (۱۴۳۱ ق)؛ تنقیح المقال فی علم الرجال؛ قم: مؤسسة آل البيت (ع) لإحياء التراث.
- متقی هندی، علی بن حسام‌الدین (۱۴۰۱ ق)؛ کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال؛ تحقیق: بکری حیانی، صفوة السقا؛ چ پنجم، بیروت: مؤسسة الرسالة.
- مصطفوی، سید جواد (۱۳۶۹ ش)؛ ترجمه أصول الکافی؛ چ اول، تهران: اسلامیه.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ ق)؛ الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد؛ قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
- نجاتی، محمد سعید (۱۳۹۸ ش)؛ «بررسی تاریخی نظریه بخشیدن خمس توسط امامان شیعه (۱۱ تا ۳۲۹ ه.ق)»؛ پژوهش‌های فقهی، دوره ۱۵، ش ۲.
- _____ (۱۳۹۹ ش)؛ «چرایی عدم ابلاغ وجوب خمس درآمدها (ارباح مکاسب) در زمان پیامبر اکرم (ص)»؛ پژوهش‌های فقهی، دوره ۱۶، ش ۲.
- _____ (۱۳۹۹ ش)؛ خمس در بستر تاریخ؛ تهران: نشر مشعر.
- نجاشی، احمد بن علی (۱۳۶۵ ش)؛ فهرست أسماء مصنفی الشيعة؛ چ ششم، قم: جامعه مدرسین.
- نجفی صاحب الجواهر، محمد حسن (۱۴۰۴ ق)؛ جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام؛ چ هفتم، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- نمازی شاه‌رودی، علی (۱۳۹۴ ش)؛ مستدرکات علم رجال الحديث؛ چ اول، قم: جامعه مدرسین.
- نوری، حسین (۱۴۰۸ ق)؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل؛ چ اول، بیروت: مؤسسه آل البيت (ع).

References

- Allahakbari, Mohammad. 1387 Sh. 'Abbāsiyān az bi'that tā khilāfat. Qom: Boostan-e Ketab.
- Ash'arī, Sa'd b. 'Abd Allāh al-. 1360 Sh. *Al-Maqālāt wa-l-firaq*. Tehran: Elmi va Farhangi.
- 'Ayyāshī, Muḥammad b. Mas'ūd al-. 1380 Sh. *Tafsīr al-'Ayyāshī*. Tehran: al-Maṭba'at al-'Ilmiyya.

- Bayhaqī, Aḥmad b. al-Ḥusayn al-. 1344 AH. *Al-Sunan al-kubrā*. India: Majlis Dā'irat al-Ma'ārif al-Nizāmiyya.
- Ḥimyarī, 'Abd Allāh b. Ja'far al-. 1413 AH. *Qurb al-isnād*. Qom: Al al-Bayt Institute.
- Ḥurr al-'Āmilī, Muḥammad b. al-Ḥasan al-. 1409 AH. *Tafṣīl wasā'il al-Shī'a ilā taḥṣīl masā'il al-sharī'a*. Qom: Al al-Bayt Institute.
- Ḥuwayzī, 'Abd 'Alī b. Jum'a al-. 1415 AH. *Tafsīr nūr al-thaqalayn*. Qom: Ismailian.
- Ibn Bābawayh, Muḥammad b. 'Alī. 1385 Sh. *Ilal al-sharā'i*. Vol. 1. Qom: Davari Bookstore.
- Ibn Bābawayh, Muḥammad b. 'Alī. 1395 Sh. *Kamāl al-dīn wa-tamām al-ni'ma*. Tehran: Islāmiyya.
- Ibn Ḥamza al-Ṭūsī, Muḥammad b. 'Alī. 1419 AH. *Al-Thāqib fī al-manāqib*. Qom: Ansarian.
- Ibn Shahrāshūb, Muḥammad b. 'Alī. 1379 Sh. *Manāqib Āl Abī Ṭālib*. Qom: Allameh.
- Jabbari, Mohammad Reza. 1381 Sh. "Nigāhī bih inḥirāfāt-i barkhī az kārguzārān-i āimma aṭṭhār." *Ma'rifat*, no. 52: 7-20.
- Jabbari, Mohammad Reza. 1382 Sh. *Sāzmān-i vikālat va naqsh-i ān dar 'aṣr-i āimma*. Qom: Imam Khomeini Education and Research Institute.
- Jabbari, Mohammad Reza. 1403 Sh. "Namāyandigān-i āimmih: dar Iran (az 'aṣr-i Imam Ṣādiq tā pāyān-i ghaybat-i suḡhrā)." *Tārīkh va āyīnih-yi pazhūhish*, no. 1: 75-126.
- Jafarian, Rasoul. 1381 Sh. *Ḥayāt-i fikrī va siyāsī-yi āimma*. Qom: Ansarian.
- Khoei, Sayyid Abu al-Qasim. 1372 Sh. *Mu'jam rijāl al-ḥadīth wa-tafṣīl ṭabaqāt al-rijāl*. Qom: Markaz Nashr al-Thiqāfat al-Islāmiyya fī al-'Ālam.
- Kulaynī, Muḥammad b. Ya'qūb al-. 1407 AH. *Al-Kāfī*. Tehran: Islamiyya.
- Māmaqānī, 'Abd Allāh. 1431 AH. *Tanqīḥ al-maqāl fī 'ilm al-rijāl*. Qom: Mu'assasa Āl al-Bayt li-Iḥyā' al-Turāth.
- Mostafavi, Seyed Javad. 1369 Sh. *Tarjumih-yi uṣūl al-kāfī*. Tehran: Islāmiyya.
- Mufīd, Muḥammad b. Muḥammad al-. 1413 AH. *Al-Irshād fī ma'rifa ḥujaj Allāh 'alā al-'ibād*. Qom: World Congress on the Millennium of al-Shaykh al-Mufīd.
- Muttaqī al-Hindī, 'Alī b. Ḥisām al-Dīn al-. 1401 AH. *Kanz al-'ummāl fī sunan al-aqwāl wa-l-aḥ'āl*. Edited by Bakri Hayyani and Safwat al-Saqqā. Beirut: al-Risala Institute.
- Najafī, Muḥammad Ḥasan al-. 1404 AH. *Jawāhir al-kalām fī sharḥ sharā'i 'al-Islām*. Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī.
- Najāshī, Aḥmad b. 'Alī al-. 1365 Sh. *Fihrist asmā' muṣannifī al-Shī'a*. Qom: Society of Seminary Teachers.

- Namazi Shahroudi, Ali. 1394 Sh. *Mustadrakāt 'ilm rijāl al-ḥadīth*. Qom: Society of Seminary Teachers.
- Nejati, Mohammad Saeid, Asghar Montazerolqaem, Mohammad Ali Chelongar. 2019. "Historical Review of the Viewpoint of Shi'ite Imams (AS) Exempting Khums." *Islamic Jurisprudence Research* 15, no. 2 (July): 187-211.
- Nejati, Mohammad Saeid, Asghar Montazerolqaem, Mohammad Ali Chelongar. 2020. "The Reason for Not Reporting the Necessity of Khums of Incomes (Arbāh Makāsib) at the Time of the Holy Prophet (PBUH)." *Islamic Jurisprudence Research* 16, no. 2 (July): 275-90.
- Nejati, Mohammad Saeid. 1399 Sh. *Khums dar bastar-i tārikh*. Tehran: Mash'ar Publications.
- Number of scholars. 1363 Sh. *Al-Uṣūl al-sitta 'ashar*. Qom: Dar al-Shabistārī.
- Nūrī, Ḥusayn al-. 1408 AH. *Mustadrak al-wasā'il wa-mustanbaṭ al-masā'il*. Beirut: Al al-Bayt Institute.
- Safḍī, Khalīl b. Ībak. 1401 AH. *Al-Wāfi bi-l-wafiyāt*. Beirut: Franz Stenier Publications.
- Shūshtarī, Muḥammad Taqī. 1410 AH. *Qāmūs al-rijāl*. Qom: Society of Seminary Teachers of Qom.
- Ṭabarī, Muḥammad b. Jarīr. 1412 AH. *Jāmi' al-bayān fī tafsīr al-Qur'ān*. Beirut: Dār al-Ma'rifa.
- Ṭabarsī, Faḍl b. al-Ḥasan al-. 1372 Sh. *Majma' al-bayān fī tafsīr al-Qur'ān*. Tehran: Nasser Khosro.
- Ṭabarsī, Faḍl b. al-Ḥasan al-. 1417 AH. *I'lām al-warā bi-a'lām al-hudā*. Qom: Al al-Bayt.
- Tabrizi, Javad. 1429 AH. *Al-Mawsū'at al-rijāliyya*. Qom: Dār al-Ṣiddīqat al-Shahīda.
- Tha'labī, Aḥmad b. Muḥammad al-. 1422 AH. *Al-Kashf wa-l-bayān*. Beirut: Dār Ihya' al-Turāth al-'Arabī.
- Ṭūsī, Abū Ja'far Muḥammad b. al-Ḥasan al-. 1407 AH. *Al-Khilāf*. Qom: Society of Seminary Teachers.
- Ṭūsī, Abū Ja'far Muḥammad b. al-Ḥasan al-. 1407 AH. *Tahdhīb al-aḥkām*. Edited by Khorsan. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmiyya.
- Ṭūsī, Abū Ja'far Muḥammad b. al-Ḥasan al-. 1409 AH. *Ikhtiyār ma'rifat al-rijāl*. Mashhad: University of Mashhad.
- Ṭūsī, Abū Ja'far Muḥammad b. al-Ḥasan al-. 1411 AH. *Kitāb al-ghayba li-l-Ḥujja*. Qom: n.p.
- Ṭūsī, Abū Ja'far Muḥammad b. al-Ḥasan al-. n.d. *Al-Fihrist*. Qom: Maktabat al-Sharīf al-Raḍī.